



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى

موضوع:

مقدمات؛ حجت؛ کتاب خداوند؛ تفسیر قرآن؛ روش و قواعد تفسیر قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: عرفان

تاریخ: ۱۳۹۶/۸/۷

لطفاً تفاوت صریح قرآن و ظاهر قرآن را بفرمایید. آیا ارتباطی با محکم یا متشابه بودن آیات دارند؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۶/۸/۱۰

ظاهر قرآن، معنایی است که به اقتضاء وضع لغوی یا غلبه‌ی استعمال یا حکم عقلی، از سخن خداوند به ذهن متبادر می‌شود، هر چند امکان تأویل آن وجود دارد؛ مانند وجوب نماز که از آیه‌ی «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ»^۱؛ «و نماز را بر پا دارید» به ذهن متبادر می‌شود، در حالی که حمل آن بر استحباب -هرگاه دلیلی برای این کار وجود داشته باشد- ممکن است، یا حرمت ربا که از آیه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا»^۲؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! ربا نخورید» به ذهن متبادر می‌شود، در حالی که حمل آن بر کراهت -هرگاه دلیلی برای این کار وجود داشته باشد- ممکن است، ولی صریح قرآن، معنایی است که سخن خداوند به وضوح بر آن دلالت می‌کند، به نحوی که امکان تأویل آن وجود ندارد؛ مانند وجوب نماز که آیه‌ی «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا»^۳؛ «هرآینه نماز بر مؤمنان تکلیفی مقرر است» به وضوح بر آن دلالت می‌کند، به نحوی که امکان حمل آن بر استحباب وجود ندارد، یا حرمت ربا که آیه‌ی «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا»^۴؛ «و خداوند خرید و فروش را حلال و ربا را حرام کرده است» به وضوح بر آن دلالت می‌کند، به نحوی که امکان حمل آن بر کراهت وجود ندارد. بنابراین، هر آیه‌ای که قابل حمل بر دو معنا یا بیشتر است، ولی یکی از معانی آن به ذهن سبقت می‌گیرد، ظاهر در آن معنا محسوب می‌شود و هر آیه‌ای که تنها قابل حمل بر یک معناست، صریح در آن معنا محسوب می‌شود.

۱. البقرة / ۴۳

۲. آل عمران / ۱۳۰

۳. النساء / ۱۰۳

۴. البقرة / ۲۷۵

البته تردیدی نیست که ظاهر قرآن مانند صریح آن حجت است و تأویل آن به غیر ضرورت جایز نیست؛ چراکه عقلاء در محاورات خود به ظاهر الفاظ اخذ می کنند و قرآن از نزد خالق عقل برای عقلاء نازل شده؛ چنانکه فرموده است: **«كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»**^۱؛ «این گونه آیات را برای گروهی تفصیل می دهیم که عقل را به کار می برند»^۲. با این حال، چیزی که ضروری اسلام محسوب می شود، عقیده یا حکمی است که صریح قرآن بر آن دلالت دارد؛ مانند نبودن فرزندی برای خداوند و جسمانی بودن معاد و وجود نعمت ها در بهشت و عذاب ها در جهنم و خاتمیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در نبوت و کلام خداوند بودن قرآن و قبله بودن مسجد الحرام و وجود جن و شیطان و ملائکه و جبرئیل و میکائیل و طهارت مریم علیها السلام از چیزی که به او نسبت داده شده است و عروج مسیح علیه السلام و مصلوب نشدن او و وجوب پیروی از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نماز و زکات و حج و جهاد و روزه ی ماه رمضان و امر به معروف و نهی از منکر و مودت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت مؤمنین و برائت از مشرکین و مشروعیت قصاص و حرمت سحر و زنا و لواط و قمار و سرقت و شرب خمر و نکاح با محارم و قتل نفس مگر به حق و اطاعت از ظالمان مگر از روی تقیه و خوردن خون و مردار و گوشت خوک و حیوانی که با نام خداوند ذبح نشده است، با توجه به اینکه همه ی آن ها با صراحت در قرآن آمده اند و می توان منکر یکی از آن ها را منکر ضروری اسلام و در صورت اقرار به کفر «مرتد» و در صورت ادعای مسلمانی «منافق» دانست؛ زیرا انکار یکی از آن ها با وجود صراحت شان، به معنای تکذیب آیتی از آیات خداوند است که کفر محسوب می شود؛ چنانکه فرموده است: **«وَمَا يَجْعَدُ بَيِّنَاتٍ إِلَّا الْكَافِرُونَ»**^۳؛ «و آیات ما را جز کافران انکار نمی کنند».

از اینجا دانسته می شود که صریح و ظاهر قرآن، مساوی با محکم و متشابه آن نیستند؛ زیرا متشابهات قرآن، آیاتی هستند که ظاهر آن ها به دلیلی شرعی یا عقلی قابل اخذ نیست؛ با توجه به اینکه خداوند پیروی از آن ها را ناروا و ناشی از انحراف دل دانسته و فرموده است: **«فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَنْجٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ»**^۴؛ «پس اما کسانی که در دل هایشان انحرافی است، از متشابهات آن پیروی می کنند به دنبال فتنه و به دنبال تأویلش»، در حالی که آیات صریح قرآن، قابل تأویل نیستند تا کسی به دنبال تأویل شان باشد و بیشتر آیات ظاهر آن نیز بدون نیاز به تأویل قابل پیروی هستند و با این وصف، همه ی آیات صریح و بیشتر آیات ظاهر قرآن از محکومات آن محسوب می شوند و متشابهات آن تنها آیات معدودی از آن هستند که اخذ به ظاهرشان مستلزم دست برداشتن از آیات صریح آن یا حکم قطعی عقل است؛

۱. الزوم / ۲۸

۲. برای آگاهی بیشتر در این باره، بنگرید به: بازگشت به اسلام، ص ۱۹۶.

۳. العنکبوت / ۴۷

۴. آل عمران / ۷

مانند آیهی «وَجُوهٌ يُّؤَمِّنُونَ نَاصِرَةٌ ﴿٦﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَازِرَةٌ﴾؛ «روی‌هایی در آن روز شادابند، به سوی پروردگارشان نظاره‌گرند»، با توجه به اینکه اخذ به ظاهرش مستلزم دست برداشتن از آیهی صریحی است که می‌فرماید: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ»^۲؛ «چشم‌ها او را درک نمی‌کنند و او چشم‌ها را درک می‌کند و او لطیف آگاه است»، یا آیهی «وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا»^۳؛ «و پروردگارت و فرشتگان صف به صف بیایند»، با توجه به اینکه اخذ به ظاهرش مستلزم دست برداشتن از حکم قطعی عقل به عدم امکان تغییر و تحرک خداوند است.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشی خراسانی
مجلسین امام‌زکریا و سیدالشهدا



۱. القيامة/ ۲۲ و ۲۳
۲. الأنعام/ ۱۰۳
۳. الفجر/ ۲۲

www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.